

موضوع: کتاب الصلاة / ستر / شرایط لباس نمازگزار

اشترای طهارت

بیان شد که بدن و لباس نمازگزار باید پاک باشد. اما این مساله استثنائاتی هم داشت، که یکی از آنها در جایی است که خون روی لباس نمازگزار کمتر از مقدار درهم باشد.

اشاره ای به نصوص مساله کردیم و گفتیم که دو تفصیل در اینجا وجود دارد.

امروز بررسی بیشتری روی این نصوص خواهیم داشت و این دو تفصیل را بر اساس نصوص، بیان خواهیم کرد.

صحیحہ عبد الله بن ابی یعفر

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَالِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ فِي حَدِيثٍ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الرَّجُلُ يَكُونُ فِي ثَوْبِهِ نَقْطُ الدَّمِ لَا يَعْلَمُ بِهِ ثُمَّ يَعْلَمُ فَيَنْسَى أَنْ يَغْسِلَهُ فَيُصَلِّيَ ثُمَّ يَذْكُرُ بَعْدَ مَا صَلَّى أَيْعِيدُ صَلَاتُهُ قَالَ يَغْسِلُهُ وَلَا يُعِيدُ صَلَاتَهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِقْدَارَ الدَّرْهِمِ مُجْتَمِعاً فَيَغْسِلُهُ وَيُعِيدُ الصَّلَاةَ»^۱

این روایت از جهت سند مشکلی ندارد و صحیح است. مدلول آن این گونه است که راوی می گوید که به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: در لباس شخصی لکه های خون است و او از آن بی خبر است؛ سپس مطلع می شود ولی فراموش می کند آنرا بشوید و نماز می خواند. پس از نماز به یاد می آورد، آیا باید نمازش را اعاده کند؟ حضرت فرمودند: آنرا می شوید و نمازش را اعاده نمی کند، مگر اینکه به اندازه یک درهم مجتمع باشد که در آن صورت آنرا می شوید و نماز را اعاده می کند.

دو تفصیل از همین روایت استفاده می شود. یک تفسیر در کلام امام (علیه السلام) آمده و تفسیری دیگر در کلام راوی. آنچه در کلام امام آمده و حجت است، این است که اگر این خون مرئی به مقدار یک درهم باشد، دو صورت دارد: یکی اینکه این خونی که دیده شده، یا به مقدار درهم است یا به مقدار درهم نیست. اگر به مقدار درهم باشد، نماز باید اعاده شود و صحیح نیست؛ شستن آن نیز واجب است. با این بیان معلوم می شود که اگر خون بیشتر از درهم باشد، به طریق اولی نماز

^۱ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۲، ص ۱۰۲۶، أبواب النجاسات، باب ۲۰، ح ۱، ط الإسلامیة.

باطل است. وقتی به مقدار درهم باطل باشد و اعاده لازم شود، در مقدار بیشتر به طریق اولی چنین است و این امری روشن و واضح است و نیازی به گفتن ندارد. اما اگر به مقدار درهم نباشد و کمتر باشد، اعاده لازم نیست. این تفصیل در کلام امام آمده است. در کلام امام، نظری به آن جهتی که راوی تفصیل کرده و فرض نموده، وجود ندارد. امام در اینجا فقط به این حیث نظر دارد. البته ممکن است کسی بگوید که جواب امام (علیه السلام) در فرض سؤال راوی است؛ این نیز مانعی ندارد. اما باز هم این هرگز متضمن آن تفصیل اولی که در کلام راوی آمده نیست. در حقیقت، امام در همان فرض، حکمش را بیان فرموده است. امام خود تفصیلی از آن حیث، ولو به صورت "إن" شرطیه یا "إذا"، در کلام خویش نفرموده است. بله، ظاهر کلام راوی این است که او از فرض فراموشی پس از علم سؤال می کند، نه از فرض جهل مطلق. چنانکه در متن سؤال آمده که ابتدا نمی دانست و بعد علم پیدا کرد ولی فراموش کرد. بنابراین، این روایت، نه در کلام راوی و نه در کلام امام، به صورت "إن" یا "إذا" شرطیه نیامده است. امام صرفاً به سؤال پاسخ داده و راوی نیز همان فرض را مطرح کرده است. پس این صحیحه هیچ نظری به تفصیل دوم یعنی تفصیل بین نسیان پس از علم و جهل مطلق ندارد و فقط به تفصیل از این ناحیه می پردازد که خون به مقدار درهم باشد یا نباشد.

خبر اسماعیل جعفی

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «فِي الدَّمِ يَكُونُ فِي الثُّوبِ إِنْ كَانَ أَقَلَّ مِنْ قَدْرِ الدَّرْهِمِ فَلَا يُعِيدُ الصَّلَاةَ وَ إِنْ كَانَ أَكْثَرَ مِنْ قَدْرِ الدَّرْهِمِ وَ كَانَ رَأَهُ فَلَمْ يَغْسِلْهُ حَتَّى صَلَّى فَلْيُعِدْ صَلَاتَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ رَأَهُ حَتَّى صَلَّى فَلَا يُعِيدُ الصَّلَاةَ».^۲

در جزوه از این روایت تعبیر به صحیحه کرده ایم ولی اشکال سندی دارد که در ادامه بیان خواهیم کرد. اما فعلاً بحث در مورد دلالت آنرا مطرح می کنیم.

از جهت دلالتی، شکی نیست که این روایت بر تفصیل دوم یعنی تفصیل بین علم و جهل دلالت دارد؛ زیرا کلام خود امام است و دیگر کلام راوی مطرح نیست. حضرت تصریح فرموده که اگر قبل از نماز دیده و فراموش کرده و همانطور نماز خوانده باید اعاده کند، ولی اگر ندیده و نماز خوانده و بعد از نماز دیده است، اعاده ندارد.

^۲ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۲، ص ۱۰۲۶، أبواب النجاسات، باب ۲۰، ح ۲، ط الإسلامیة.

موضوع این تفصیل، یعنی تفصیل بین رؤیت و عدم رؤیت، این است که خون، بیش از مقدار درهم باشد. یعنی حضرت، موضوع آنرا خون اکثر از درهم قرار داده است. یعنی اگر خون کمتر از درهم باشد، مطلقاً اعاده ندارد؛ چه قبلاً دیده باشد و چه ندیده باشد. همان طور که در صحیحہ "محمد بن مسلم" نیز به آن تصریح شده است.

اما از حیث سند ضعیف است، چون حسین بن حسن در سند واقع شده که مجهول است.

"حسین بن حسن" یک اسم عام است که بر چندین راوی اطلاق شده و همه‌ی آنها، جز "حسین بن حسن بن ابان"، ضعیف هستند. اما قاعده رجالی "انصراف اسم مشترک به مشهور" در اینجا جاری نیست. زیرا یکی از شروط اجرای این قاعده آن است که هر دو راوی مشترک، از شخصی که در سند واقع شده، روایت داشته باشند. در حالی که ما روایتی نداریم که "حسین بن حسن بن ابان" (که ثقة است) از "جعفر بن بشیر" روایت کرده باشد و "محمد بن علی بن محبوب" نیز از او نقل کرده باشد. تمام روایات "حسین بن حسن بن ابان" که متجاوز از ۲۲۰ روایت است، از "حسین بن سعید" است و روای از او نیز "حسن بن محمد بن ولید" است. بنابراین، چون طریق روایی "حسین بن حسن بن ابان" با سند این روایت تطابق ندارد و طرف دیگر مشترک نیز مجهول الهویه است، "حسین بن حسن" در این سند، مجهول محسوب می‌شود. فلذا این روایت از نظر سند ضعیف است، هر چند دلالتش بر تفصیل دوم صریح است.

صحیحہ محمد بن مسلم

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: «قُلْتُ لَهُ الدَّمُ يَكُونُ فِي النَّوْبِ عَلَيَّ وَ أَنَا فِي الصَّلَاةِ قَالَ إِنْ رَأَيْتَهُ وَ عَلَيْكَ نَوْبٌ غَيْرُهُ فَاطْرَحْهُ وَ صَلِّ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ نَوْبٌ غَيْرُهُ فَأَمْضِ فِي صَلَاتِكَ وَ لَا إِعَادَةَ عَلَيْكَ مَا لَمْ يَرِدْ عَلَى مِقْدَارِ الدَّرْهِمِ وَ مَا كَانَ أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ فَلَيْسَ بِشَيْءٍ رَأَيْتَهُ قَبْلَ أَوْ لَمْ تَرَهُ وَ إِذَا كُنْتَ قَدْ رَأَيْتَهُ وَ هُوَ أَكْثَرُ مِنْ مِقْدَارِ الدَّرْهِمِ فَضَيِّعْتَ غَسَلَهُ وَ صَلَّيْتَ فِيهِ صَلَاةً كَثِيرَةً فَأَعِدْ مَا صَلَّيْتَ فِيهِ».^۳

این روایت، هم سندش صحیح است و هم دلالتش بر تفصیل ثانی، تام است. در ذیل این روایت آمده است که اگر آنرا دیده بودی و آن بیشتر از اندازه یک درهم بود، و در شستن آن کوتاهی کردی و با آن نمازهای زیادی خواندی، نمازهایی را که خوانده‌ای اعاده کن. مفهوم این شرط آن است که اگر قبلاً آنرا ندیده بودی، حتی اگر بیشتر از درهم هم باشد، اعاده لازم نیست. این دلالت بر تفصیل ثانی دارد.

^۳ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۲، ص ۱۰۲۷، أبواب النجاسات، باب ۲۰، ح ۶، ط الإسلامیة.

در صدر روایت نیز آمده است که اگر مقدار خون به اندازه درهم نرسد، نماز را ادامه می دهد و اعاده ندارد.

این عبارت اطلاق دارد و شامل مقداری که به اندازه درهم یا کمتر از آن است می شود و در این صورت، نماز صحیح است.

جمع بندی نصوص

با جمع بندی این روایات، نتیجه این می شود که در اینجا دو تفصیل داریم.

تفصیل اول بر اساس مقدار

به این بیان که اگر خون کمتر از مقدار درهم باشد، نماز مطلقاً صحیح است و اعاده ندارد؛ چه شخص قبلاً آنرا دیده باشد و فراموش کرده باشد، و چه از ابتدا از وجود آن بی خبر بوده باشد. اما اگر خون به مقدار درهم یا بیشتر از آن باشد، اصل بر بطلان و لزوم اعاده است، مگر در حالتی که در تفصیل دوم استثنا شده است.

تفصیل دوم بر اساس علم و جهل

موضوع این تفصیل، فقط خون به مقدار "درهم یا بیشتر" است. در این فرض، اگر شخص از قبل خون را دیده و سپس فراموش کرده یا در شستن آن تسامح نموده و نماز خوانده است، نمازش باطل است و باید اعاده کند. اما اگر از ابتدا از وجود خون (که به مقدار درهم یا بیشتر است) غافل بوده و پس از نماز متوجه شده است، نمازش صحیح است و اعاده لازم نیست.

این نصوص، اطلاق عقد مستثنای حدیث "لا تعاد الصلاة الا من خمس" را در مورد "طهور" تقیید می زنند. آن حدیث به طور مطلق اعاده ی نماز را در صورت نبود طهارت واجب می داند، اما این روایات، این حکم را در خصوص "خون" تفصیل می دهند. برای سایر نجاسات غیر از خون، چون چنین تفصیلی وارد نشده است، به همان اطلاق حدیث "لا تعاد" عمل می شود و نماز در صورت جهل یا نسیان، باطل و نیازمند اعاده است.